

پیکار

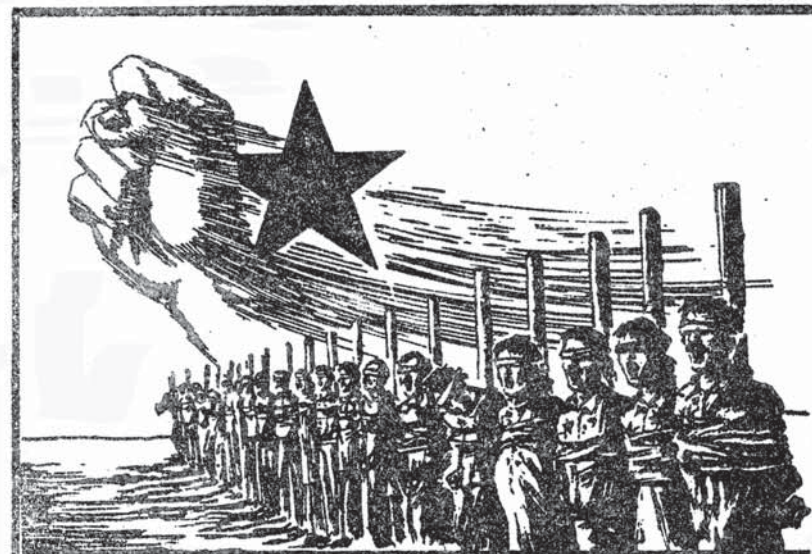
کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۷

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ بهار ۲۰ ریال

کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی ناقوس مرگ رژیم رافعی نواز



سازیم، انقلاب روس را در سال ۱۹۰۵ سرخها نه در هم شکستند، بلشویکهای روس را در ژوئیه سال ۱۹۱۷ در هم شکستند، بیش از ۱۵ هزار تن از کمونیستهای آلمانی را تا بدمان ونوکه با تفاق سوزواری و ژنرال های سلطنت طلب از آژامه محبده جوشی ما هراته و ما نورهای زیر دستا نه قتل عام نمودند. در قتلاندو معا رستان شوروفیدیدم آدمیکندولی در کلبه سه موارودر همه کشورها کمونیسم آبدیده میشود در رشید می نماید، ریشه های آن بجدی عمیق است کسسه بکرده ها آرا ضعیف و نا توان نسا خفته، بلکه تقوینش می نماید.

(لنین: "بیمار، کودکی (چپ روی) کمونیسم")

"نگذار رپوزواری به خود بسپرد، از شدت خشم به سرحدت خون برسد، شورش را در آورد، حماقت بکنند، پیش از وقت از بلشویکها انتقام بگیرد و بکوشد صدها و هزارها و صدها هزار تن از بلشویکهای دیروزی با بلشویکهای فردا را از با در شکند (در هندوستان، مجارستان، آلمان و غیره) بیوزواری با اسیستن رفتار خود همان کاری را میکند که طبقه کار از طرف تاریخ به مرگ محکوم شده میکردند. کمونیستها با بدیداندن که آینده بهر حال از آن آنهاست و لذا ما میتوانیم (و موظفیم) شور عظیم خود را در مسارزه عظیم انقلابی با خون سردانه ترین و هشیارانه ترین حساب روی قتلای ۱۵ دیوانه و رپوزواری شرور

توضیح:

کارگران و زحمتکشان! این مقاله قبل از ترور "با هنر" نوشته شده است، اما علیرغم اینکه "با هنر" متفورنرور گردید، بیرون ما را نشه شده توسط او کما کان بقت خود ما قی است، بیرون مدولت "با هنر" اما با همان بیرون مدولت "کمی" خوا هد بود.

برنامه دولت 'با هنر': برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست!

دروغ پشت دروغ!

در زمان قیام، هنگامی که خمینی و سایر سران مدارا را در پی داشتند، بودند تا برجش شده ها سوار شده و انقلاب را در نیمه راه متوقف سازند، هنگامی که خمینی و سایر رهبران مکتبی و لیبرال از قضا پیروز مند نموده ها و خستنداشت و با شما قوا میگویندند تا از نا سودی سیستم ما به داری و وابسته جلوه گیری کنند، توده های مردم با وعده و وعده های بیشتر ری روبرو شدند. خمینی و شرکای دور فهد از به کارگران و سایر توده ها می گفتند: ممکن فراهم می نمائیم، آب و برق مجانی میدهم، کار و شغل تا مین میکنیم، گران و شور را از بین میبریم، سرما به داران را تا سود میکنیم و با لایحه برای زحمتکشان یک زندگی عادلانه میسازیم، خمینی در پشت زهر گفت: ما مثل دیگران و وعده نمی دهیم ما عمل میکنیم.

شیادی طبقات استثمارگر در استفاده از جهل و عقب ماندگی توده ها

اگر مدعی شویم که در تمام طول تاریخ ما طبقاتی، جهل و عقب ماندگی، خرافات و اعتقادات ماورا الطبیعه، توده ها، موثرترین وسیله حاکمیت استثمارگران و استثمار شونده ها، برای به انقلاب در آوردن توده ها هیچ چیز موثرتر از این نیست که اطاعت و بردگی جزا اعتقاد آنها را شده و کار و راه پشان به اسارت گرفته شوند. در این صورت آنها نه تنها به وارتسليم توانگران میشوند بلکه همچون بردگان برای حاکمیت اربابان و خداوندان "شروت" شمشیر خواهند کشید، برای یک سرما به دار و مرجع چه بهتر از این که یک کارگر و زحمتکش شب و روز جان بکند، شمره کارش را با همان سرما به دزدند و سپس کارگر مزدور این جهان کنند و آن غارت سرما به دار را قضا و قدر و سرنوشت الهی دانسته و طغیان علیه آن را طغیان علیه خداوند بدانند. و برای یک استثمارگر چه بهتر از این که یک زحمتکش ما با از او تمام اطاعت و بندگی را در این دنیا، در بهشت و موعود جستجو نموده و با اطاعت و بندگی اش در انتظار این بهشت موعود بماند. آبسا چیزی مطبوع تر از این برای یک دولت استثمارگر وجود دارد که کارگران و زحمتکشان حاکمیت این دولت را حاکمیت یک نیروی غیبی که بر تمام کاشنا گذشته و آینده جهان مسلط است، بدانند و اطاعت و بندگی را از حکومت اطاعت و بندگی از آن نیروی غیبی بپذیرند و در صلح

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

برنامه دولت "باهنر": برنامه ارتجاعی و محکوم به شکست!

"باهنر" در توفیق برنامه دولت میگوید با حسن برنامه "زمینه مناسب برای بروز خلافت های است بیخاسته ایران در جهت رفع کامل و استی" تا من می سما بدو سلاوه "دولت سعی میکند زمینه لازم در جهت رفع تبعیضات را روا و ایجاد مکان ها عادلانه برای همه مردم بخصوص طبقه مستضعف فرا همبازد" (کتابها ۲۶ مرداد ۶۰) برای اینکه نشان دهم چقدر این حرفها بی اساس بوده و رژیم بنا به همت ارتجاعی خود قادر به انجام چنین اموری نمی باشد تا کنونی کوتاه به سیاسی اقتصاد ایران می اندازیم و اقصیت اقتصاد امروز ایران حاکی از آنست که نه تنها اهداف برنامه "باهنر" بوج و عوا مغربها نیست بلکه سلاوه بحران عملی که امروز برای اقتصاد ایران و اقتصاد ایران و ایران را فرا گرفته ما زهم زرف ترمکرد و حرفها و برنامه های رژیم بدون پایه و اساس است.

در یک رژیم سرما به داری "رفع کامل و استی" و "ایجاد مکان ها عادلانه" تزیو و دروغی سن نیست امروز در عمار امیریا لیتیم هیچ سرما به داری و از جمله سرما به داری حاکم در ایران نمی تواند مستقل از سرما به داری به عین المصلی به عین خود ادا به دهم سلاوه در جا معای که معنی بر استیضای یک طبقه توسط طبقه دیگر و قدرت درست سرما به داری است هرگز "مکان ها عادلانه" تنفع خنده های زحمتکش نمیتواند وجود داشته باشد. رژیم جمهوری اسلامی که با دارسیسم سرما به داری گشوده و وابسته ایران است به سسی - توانا مستقل از امیریا لیتیم به زندگی نکست با خود ادا به دهم سلاوه نمیتواند "مکان ها عادلانه" در جهت منافع کارگران، دهقانان و سایر مستضعفان بوجود آورد. سلاوه این مسئله اساسی را با بد نظر داشت که رژیم جمهوری اسلامی میراث خوار رژیم سرما به داری وابسته و بحران زده شاه شاهان است. سیاست سرما به داری ایران که در زمان شاه به بحران شدید اقتصادی دچار گردید در زمان جمهوری اسلامی کماکان نه تنها بحران عمیق خود را حفظ نمود بلکه سلاوه این بحران را در ابعاد وسیع و سیاسی بقای تدا و به شدت و حصال هنگامی که ما به همت بورژوازی رژیم حاکم توجیه نمائیم و ابعادنا هجران موجود را در با بیم به آشی میتوانیم عمق دروغین وعده و وعیدهای دولت "باهنر" را تشخیص دهیم. و با لاف و وقتیم متوجه شویم که بودجه دولت که برپا به آن برنامه استوار میشود تا چه میزان و ورشکسته است. شکست برنامه دولت را از همین حال حاضر میتوان مشاهده کرد.

اقتصاد دکتونی ایران اقتصادی وابسته و تنگ با به است. منتهی که ۲۲٪ از کل درآمدهای بودجه سال ۱۳۶۰ را در آمد نفت تشکیل میدهد. در بودجه سال در کما زوام از بانک مرکزی و درآمدهای مالیاتی. میزان ۲۳ میلیارد ریال (۲۲۱۱ میلیارد

شرايط زندگي توده های بشعیده تا کنون وجود لیسیرالها در حکومت بوده است. آنها فریبکارانسه کوشیدند تا به توده ها بگویند که مکتبی ها "فرشتشه نجات" بوده و فقط لیسیرالها عامل بدبختی و سیه روزی مردم بوده اند. حال آنکه واقعیت اینست که مکتب فلاکت توده ها کل رژیم طبقاتی حاکم و همه عنا هجا از قبیل لیسیرالها، حزبها و خمینی ها بوده اند. در سسی این تبلیغات فدا انقلابی رژیم غیبه شب بازی انتخاب ماب ریاست جمهوری را بر آید انداخت و سسی تقلبات و ریاکاری سیاسی و سبزی با ارباب و سرکوب، رجا شی مرتجع و کودن را به ریاست جمهوری و سسی "باهنر" دینیکرل حزب جمهوری را به سمت نخست وزیری انتخاب نمود. و شما سرمداران فریبکار رژیم در سسی و گزینا دهم سلاوه لیسیرالها رفتند. مکتبی ها آمدند و اینک تا فوس "معاد و خوشبختی" توده ها به دهم آمده و "بهشت خود مستضعفان" فرا رانیده و "حکومت اسلام" مستقر گردیده است.

۱. امروز رژیم جمهوری اسلامی که همان حکومت اسلام و سرما به داری است به زور و سرنیزه و با رو سرتا مدهای مکتبی ارتجاعی خود می خواهد با مصلح خوشبختی برای توده ها به ارفان آورد. چه دروغ و فریبکاری بزرگی! مگر حکومت سرما به داری میتواند در راه منافع مصلح کارگران و زحمتکش عمل کند؟ مگر حکومت جمهوری اسلامی در طول دسال ونیم از حاکمیت خود نشان نداده است که به زحمتکشان گرسنگی و تیرباران میدهد و برای سرما به داری و "تاجا محترم" خونخوار رسوهای کلان به ارفان می آورد؟ آیا در طول دسال ونیم مشقت رسوای خمینی خونخوار و دیگر مرتجعین حاکم و تمام دروغهای بیشترانه آن بر ملا نکتشه است؟ آری، دروغ پشت دروغ! اینست منطق رژیم حاکم!

امروز دولت ارتجاعی "باهنر" برنامه ارتجاعی نموده و مطرح ساخته که برپا به این برنامه و استی به امیریا لیتیم بطور قطع خاتمه می یابد. "اقتصاد بدون استثمار شکوفه میشود" و "عدالت اجتماعی به نفع توده های ستمکش" تا من خواهد شد. ما برای اینکه نشان دهم ما چند گذشته رژیم با زهم دروغ میگوید و فریبکاری میکند، ما برای اینکه نشان دهم برنامه های رژیم ما چند همیشه در خدمت سرما به داری و بر فساد زحمتکشان است. ما برای اینکه اثبات کنیم برنامه های رژیم آنها که از منافع مردم و سایر رده علمی به امیریا لیتیم و سرما به داری حرف میزند در دروغ و فریبکاری نیست. برنامه دولت "باهنر" را به نقد می کشیم تا همت ارتجاعی و فریبکاری را به آند ترا در پیش توده ها افشا نمائیم.

برنامه باهنر:

برنامه ورشکستگی رژیم

اما توده ها با به چشم خود میدیدند که رژیم خمینی هرگز قادر نیست حتی یک قدم در راه منافع زحمتکشان حرکت کند. توده ها با به تجربه میگردید که خمینی نیز مثل شاه شاهان به زحمتکشان وعده میدهد اما در جهت منافع سرما به داری خونخوار عمل میکند. به به از صبا خمینی خاش و سایر سرداران رژیم به توده ها گفتند: دولت موقت با زرگان "دولت الهی" است و برای مردم سعادت و خوشبختی به ارفان می آورد. اما گذشت زمان و عمیق تر شدن فقر و فلاکت توده ها نشان داد که "دولت الهی" با زرگان، ما می سرما به داری و امیریا لیتیم است. دولت با زرگان خاش و سایر دنیو با زرگان به عتقا و رفت. خمینی و سایر هیستوران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی فریبکاری دیگری را شروع کردند. آنها گفتند: دلیل ادا به فقر و فلاکت و گزینی و بیگاری اینست که کشور رئیس جمهور ندارد. سنی: مگر شما ربا همت غیبه بر سر کار آمد. بنی: صدر میگفت: من بزودی اقتصاد اسلامی را برقرار میکنم و مستضعفان را خوشبخت می نمائیم. اما بزودی معلوم شد که اقتصاد اسلامی بنی صدر، اقتصاد فقر و گرسنگی برای کارگران و زحمتکشان است و بنی صدر خدا انقلابی جز با زاری سرما به داری وابسته کار دیگری نمیتواند انجام دهد و تمام وعده های او بوج و عوا مغربها نیست است به دهم سلاوه دیگر سران فریبکار جمهوری اسلامی تنه ای دیگری زد کردند. آنها علت عدم موفقیت رژیم در رسیدن به نیشتدن به وضع زحمتکشان را افقدن دولت میدند. آنها گفتند: اگر دولتی مکتبی بر سر کار آید همه مشکلات حل خواهد شد.

دولت مکتبی رجا شی مرتجع بر سر کار آمد. بنی - صدر لیسیرال و رجا شی مکتبی دست به دست هم دادند تا با مصلح "مستضعفان" را به سعادت برسانند! اما زندگی توده ها به آنها نشان داد که مکتبی که امثال بنی صدر و رجا شی میخواهند برپا به ارفان و آوردن جسر گرسنگی بیشتر، گزانی بیشتر و سرکوب بیشتر جسر دیگری نیست و تمام وعده و وعیدهای رئیس جمهور و نخست وزیرش فقط حرفهای بوج و فدا انقلابی اند. زمان گذشت. همت قدرت میان حزب جمهوری و لیسیرالها با لاف و طرد لیسیرالها و حذف بنی صدر از ریاست جمهوری انجام مید. خمینی و سردمداران حزبی که سسی دیدند نفرت و انزاع از رژیم برپا ی کارگران و زحمتکشان را فرا گرفته است و هر آن احتمال دارد این نفرت به آتش فروزانی تبدیل شود که کل رژیم را در لهیب خود بسوزاند. تبلیغات مطبوعه مدعی به ارفان انداختند. خمینی جلاد و سبختی ها و غامدهای هجا و رفستانی های جنا بنگار و تمام دستکاهای تبلیغاتی صحت از "انقلاب سوم" و "سراغا حاکمیت مستضعفان" نمودند. آنها که خود در کما لیسیرالها درضا همتا با ت و غیانتا دست داشتند و از سبب این اصلی فقر و گرسنگی توده ها بودند چنین وانمود می کردند که علت عدم بهبود

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

ربا (از محل درآمد فروش نفت در نظر گرفته شده است. به معنای دیگر آنچنان سولیدانه داخلی دچار بحران و ورشکستگی می باشد که در زیرمجموعه های ۷۲ درصد از درآمد بودجه را متکی به فروش نفت کند. البته تحقق همین هدف کار آسانی نیست. زیرا تا همین اواخر مبلغ مشروط به تولید و فروش ۳/۵ میلیون بشکه در بازار جهانی نفت توسط ایران می باشد. حال آنکه ما توجه به وضعیت بازار نفت و سقوطی بیش از ۵۰ درصدی قیمت این میزان از فروش قابل تأمین نیست. امروز خرسنان ما ۱۱ تا ۱۲ میلیون بشکه و ایران - ترین قیمت (۲۴ دلار در مقابل هر بشکه) با راز فروش جهانی را اشباع نموده است و به همین خاطر کارگزاران نفتی این کشور را به هر دست از زیرمجموعه های خرسنان این کشور خواهند نمود. و بنا بر این رژیم ارتجاعی حتمی قادر به فروش ۳/۵ میلیون بشکه نخواهد شد. در واقع اگر چنانچه وضعیت بازار نفت به صورت فعلی ثابت بماند ایران تنها ۲/۵ میلیون بشکه می تواند بفروشد. و در این صورت که ما متوجه می شویم رگین اساسی درآمد بودجه رژیم جمهوری اسلامی دستخوش کسری قابل توجهی نباشد، کمبود زیرساختی اقتصاد تک پایه و وابسته ایران امروزه عامل شکست و سیاه پیمانی تبدیل شده است و بودجه دولت "با هنر" کسری فزاینده برداخت شدیدی مواجه خواهد بود.

البته این مسئله یک بعد از فضا است. بعنوان مثال ما بدست اگر چنانچه به فروش ۳۲۰ میلیون دلار از محل فروش نفت تا همین کرد، رژیم طبق بودجه دولت ۲۰۰ میلیون دلار از مبلغ فوق را صرف خرید کالا از کشور های امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و سایر رژیم های ارتجاعی خواهد نمود. اما از آنجا که رژیم قادر نیست از مورد نیاز خود را از محل فروش نفت تا همین زمان به دستا کز به دریافت و امپراتور از آنجا تک مرکزی روی می آورد. لازم به یادآوری است که به دهی دولت در سال ۱۳۵۸ به بانک مرکزی به میزان ۱۲۴۴ میلیارد ریال بالغ می شود. این به دهی در سال ۵۹ به میزان ۲۶۴۴ میلیارد ریال اضافه گردیده است. (۸۵ درصد افزایش) و برپا وضع است که در بودجه اصل (۱۳۶۰) به دهی دولت به بانک مرکزی ابتدا دیسکافای بخود خواهد گرفت. و این امر بیان منتهی ورشکستگی اقتصاد رژیم بوده و روشن است که این ارز بدون پشتوانه، تورم گسترده تری را در این خواهد دزد. بدین ترتیب رژیم برای مقابله با کمبود ارزی نه تنها به اخذ وام بیشتر روی آورده و در نتیجه تورم و گرانی را دامن میزند، بلکه علاوه بر طریق اخذ وام های سنگین بیش از هر زمان دیگر به کارگران و زمینکنان فشار خواهد آورد. در بودجه ۶۰ درآمد مالیاتی دولت مبلغ ۵۴۴ میلیارد ریال بیش بینی شده اما روشن است که سهم اساسی این مبلغ از طریق اخذ مالیاتهای غیر مستقیم که فشار اصلی آن بر دوش زمینکنان است تا من خواهد شد. در سال گذشته سرمایه داران و صاحبان کسانسی که در سفر خمینی "مجاز" می نامند ۱۲۰ میلیارد تومان می بردند. حال آنکه این سال فقط ۳/۵ میلیارد تومان مالیات پرداخت خواهند. در مقابل رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مبلغ اصلی درآمد مالیاتی خود را از محل مالیاتهای غیر مستقیم تأمین نمود. در سال آینده فشار برای اخذ مالیات از زمینکنان شدیدتر خواهد شد. حال آنکه سرمایه داران به میزان ماهم کمتری نسبت به سال قبل مالیات پرداخت خواهند نمود. زیرا رژیم جمهوری اسلامی در پی سامان دادن به وضع ورشکسته اقتصادی سرمایه داری وابسته است و خواهان افزایش تولید و سود سرمایه داران است. به

همین منظور "با هنر" مرتجع در سرمایه خود از یکسو از تشدید سرکوب فاشیستی در کارخانه محبت میگذرد و اسم آنرا "باجا دنگ انقلابی" دروا حدهای تولیدی جهت بالابردن سطح تولید "میگذرد" از سوی دیگر محبت از "باجا دنگ" برای جلب سرمایه های خصوصی در بخش کشاورزی از طریق بخشودگیهای مالیاتی و در دسترس قرار دادن عوامل تولید "میگذرد" اعلام میبندد که برای سرمایه داران "روشن های مناسب در شهید مواد اولیه" اتخاذ می نماید و قول میدهد که "کمک و تشویق صنعت - کران" از جانب دولت حتی خواهد بود. (رجوع شود به برنامۀ دولت)

با توجه به آنکه گفته شد درمی بینیم که بودجه سه افشادی رژیم یک بودجه ورشکستند و وابسته است و به همین لحاظ، ما هم با در دسترس سرمایه های وابسته کند تا وابستگی را از میان بردارد. نمی توان ملطه سرمایه داری را محفوظ داشت و در عین حال وابستگی را از بین برد. برای از بین بردن وابستگی باید رژیم سرمایه داری را ریشه کن نمود. بنا بر این وقتی "با هنر" در سرمایه خود از "رفع کامل وابستگی" صحبت می کند و برنامۀ ارتجاعی آن را در خدمت "باجا دنگ" اعلام میبندد، "منافع زمینکنان را از بین میبندد" به معنی دروغ و زاری است. این نامه در مکتبی سرمایه داری ن پی میبیریم. در حقیقت با توجه به عمق بحران ساختنی موجود و نیز ماهیت طبقه کارم و عقب ماندگیهای سیاسی فرهنگی آن رژیم جمهوری اسلامی نه تنها نمی تواند بگردد و راهی مانع زمینکنان بردارد بلکه حتی قادر نیست بحران اقتصادی سرمایه داری حاکم را تعقیف دهد. سرمایه رژیم که اقتصاد ورشکسته رژیم را ورشکسته تر کرده، این نامه در مکتبی که کثرت و بیساخته را حفظ کند در رژیم را خراب تر نموده و سرمایه رژیم که استثمار و تخریب زمان شاه را وسیعتر ساخته به حکم ماهیت طبقاتی خود هرگز نمی تواند یک اقتصاد بدون استثمار را برپا نماید. برجانی و دیگر سردمداران رژیم خود اعتراف می نمایند: "برنامه های ما ادامه همان برنامه های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری برنامه های پنجم رژیم گذشته هستیم" (میزان ۶۰/۲/۱۰) آری در حقیقت و براساسی رژیم جمهوری اسلامی در همان راهی به خط میرو که رژیم شاه میرفت و سرمایه "با هنر" در همان خطی به پیش میرو که سرمایه میروید! میرفت، برنامۀ "با هنر" برنامۀ استیصال و ورشکستگی است.

برنامه ارتجاعی دولت "با هنر" که ادامه سرمایه داران، یعنی مدور و جانی است همان برنامه بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته است و هرگز نمی تواند برای زمینکنان "رفاه و خوشبختی" بهرامان آورد. این برنامه ها همانند برنامه های گذشته سرکوب بیشتر و فقر و فلاکت بیشتر برای طبقه کارگر و زمینکنان بود و می آورد. در بودجه ۱۳۶۰ دولت مبلغ ۳۳۰۰ میلیارد تومان بعنوان کل هزینه دولت در نظر گرفته شده است. هزینه دولتی خود به دو بخش تقسیم میشود: ۱- هزینه های عمرانی (ساخت راه و وسایل کارخانه و ...)

۲- هزینه های جاری (اداری، نظامی، پلیسی، ...)

برنامه با هنر:

برنامه سرکوب انقلاب

وقتی به ترکیب هزینه های بودجه نگاه می کنیم متوجه می شویم که این بودجه در پی آن سرمایه دولت، بودجه و سرمایه سرکوب و خفقان است. در حالیکه بودجه عمرانی به مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان میرسد.

بودجه جاری یعنی بودجه دستک و دولتی و سرکوب بودجه به مبلغ ۲۰۵ میلیارد تومان بالغ میشود. البته این بودجه را موش کرد که به طور حتم بخش دیگری از بودجه عمرانی به طور مستقیم و غیر مستقیم به بخش بودجه جاری انتقال خواهد یافت. بهر حال این مبلغ عظیم نشانگر اهداف ارتجاع حاکم در قبایل جنش توده های و انقلاب می باشد. بعنوان مثال بودجه پلیس قضا قضی یعنی یکی از اجزای دستگاه استعماری طبقه کارم نسبت به سال قبل ۴۰٪ افزایش یافته است. افزایش این بودجه دقیقاً در خدمت تحکیم قوه قضا و در جهت سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی است. بهشتی - های مزدور و ادبلی های جانی ساکتا همین بودجه است که علیه انقلاب بوظیفه می جنبند و کارگران و زمینکنان را با تصویب لوایح ارتجاعی و از جمله لایحه سه قاعی مورد سرکوب قرار میدهند و کجاسام سرمایه داران کمونیست و انقلابیون را با درمی نمایند اگر چه بخشی از بودجه هزینه های جاری به هزینه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و خرید اسلحه از امپریالیستها و رژیم های دلال مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل اختصاص دارد. لیکن بخش اساسی آن در جهت تحکیم و گسترش ارگانهای سرکوب از قبیل سازمان بسیجی ها، حزب اللهی ها، ارتش، زندانها، دادگاهها و غیره بکار گرفته میشود. اوج گیری آتش انقلاب و وحشت رژیم تنها کار کارآمد در دشمنی زارت طبقاتی و رفاقتی - های عمیق توده ها، سردمداران رژیم و دولت "با هنر" را بر آن داشته تا بودجه جاری را به بودجه زندان و سرکوب و قتل عام تبدیل نماید. و دقیقاً در همین رابطه "با هنر" فدا انقلابی در ترویج برنامۀ شاه می گوید: "دولت مصمم است این حرکت تند امنیتی برفد گروه های وابسته به امپریا را ادامه دهد و براداران ما مصمم اند تا با کجاری کامل محیط بایستند و اجازه ندهند که مملکت ما به دست فدا انقلابیون بیفتد" (کمپان ۲۵ مرداد) و بی سبب نیست که اعلامیه مشترک حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به مراحت و بطرزی فاشیستی بر سرکوب و خشنه انقلاب تاکید دارد. آری یکی از ده های اساسی برنامۀ "با هنر" تشدید سرکوب فاشیستی انقلاب است.

برنامه با هنر:

برنامه فقر و فلاکت توده ها

در کنار برنامۀ مریزی جهت سرکوب انقلاب و نیروهای کمونیستی و انقلابی برنامۀ "با هنر" در خدمت تشدید فقر و فلاکت طبقه کارگر و سرمایه داران است. اگر چه "با هنر" مانند همه سردمداران رژیم معنای برنامه دولت را "حرکتی برای پیروزی مستضعفین" مستگیرین و "وبران ساختن تمیض طبقاتی" مینامد لیکن حقیقت اینست که برنامۀ "با هنر" نه در خدمت "رفع تبعیضات" است و نه "بلکه در جهت گرسنگی و فلاکت بیشتر توده ها است. برنامۀ دولت "با هنر" تک برنامۀ سرمایه داران است. این برنامۀ تورم و گرانی را تعقیف نداده بلکه معوض تورم و گرانی را با افزایش کاسی خواهد داد. اتخاذ سیاست درای باز در مقابل کالاهای امپریالیستی و انتقال تورم به آن امپریالیستی به ایران و ویرانی تولید، گرفتن وامهای بدون پشتوانه (از بانک مرکزی) غارت محترمانه، مالیاتهای سنگین دولتی و غیره تورم و گرانی را بسیار افزایش خواهد داد. در حال حاضر تورم آنچنان سنگین است که حتی نمایندگان حکومت نیز ناچار به اعتراف میباشند

بنحوی که یکی از نمایندگان مجلس سراج نورم اردو ۳۵۰ درمدا اعلام میکند (اطلاعات ۲ خرداد) البته این رقم برخ واقعیت خورم و گواهی را به نمایندگی نمی گذارد ولی همین مطلب بیروشنی نشان میدهد در شرایطی که رژیم سابق جمهوری اسلامی برای سال ۶۰ حداقل دستمزد کارگران را ۲۶۵ ریال تعیین نمود و اساساً مبلغ همان حداقل دستمزد سال گذشته است، آری در این موقع مادمی با سیم که در خارجا غیرسانی طبقه کارگر و دویگز نمیکنان را در خود میفشاند. دستمزد کارگری دویز سال ثابت می ماند اما کالافای مورد نیاز زودها و دها و صدها برابر اگر نیز میبود و در همین موقع سرمایه داران خون آب میوه ای کلان و سرمای آور به جیب میزنند. ایست عدالت اسلامی رژیم سرمایه دار جمهوری اسلامی! ایست رفیع نمیکنان ناروا درجا میمشی که خمینی ها را ن حکومت میگذرد برآمده دولت «بائتر» هرگز نمی تواند که جگر سیرن قدم در راه میپوشد و جمع زحمتهای برادران، تمام اهداد این سرمایه داریست که فقر و ولادت بیشتر زودها است. همیشه سرمایه داران را استعنا رکبان نه کارگران و سودهای زحمتهای در سرمایه های خود و عده و وعید میدهد اما او نمیشد سبکی زحمتهای سطرور ز سر نه اشیا بسان و مدهد که سبکی و عده و وعیدها بسو و دویز است و چه سوانی می همان زندگی ساهی است که سرمایه داران برای آنها خود و دویز دارد.

بدین ترتیب تا سوچه به آن حقه کفنه شد سوچه مستقیم
وفتی "یا خیر" در سر آمد و خود صحبت از "رفع کا میل
و استی" میکند. وقتی صحبت از "خود کفنه" بود
احضاد را در می یابند. وفی صحبت از احضاد
"تساع" بود. "می کد سلیمان" که در سفر از اکیان
بیت است. در سر آمدی که خود را بدین سوچه
ورسکده و واسه اسوار است هرگز نمی تواند
استلال احضاد و تساع کور را جامد. سر آمد دولت
"یا خیر" اگر چه میگوید اما با آن احضاد را
را تعجب و دقولی به لحاظ عمیق بحران و هفت
نرو ما به دارا را به وقت "نه در زم کا کم دار" در
احضاد ها که را از ورستی ساج و بند و لکه بر عکس
این برتا به تنه تنه و تنه و تنه و تنه و تنه و تنه و تنه
هر چه پیشتر به میزای میسر می دهد. در سر آمدی
گوشه تنه تنه به ما هیت طبعی است خود احضاد یک کسور
را متعلق است بدین کار بر عریض و تنه و تنه و تنه و تنه
برتا به میزای و هیت میزای می یابند. برتا به میزای
و تساع. برتا به دولت کا هیت طبعی می یابند. تنه تنه
تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه تنه
عمل کرده و برتنه تنه و فلک طبعی کا رکوب است
بوده ها ارمان دیگر تنه و ادب برتا به میزای
اقتصادی ما هیت خوشنوا است را رسوده ها
افزوده ها و تساع. تا سوچه همین امر است که
بروز را از حاکم جهت جلوگیری از رندا امر است
مما نعت از تساع انقلاب به تنه ها هر خود یعنی سرکوب
متمرکز و دیکتا توری سبب میسر خواهد شد. برتا به
"یا هیت" فقر و فلک و سرکوب و حبس را و تنه
مما نعت از تساع.

[illegible]

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

پیغام از محمد شای ۰۰۰

طی دیماه و نیمه حاکمیت جمهوری اسلامی سر -
مداران این حکومت در هر روز گاهی و هر آن گاهی
بای حیات و موات رژیم میماند آمد، نیروهای غشی
را یکمک گرفتند شخصی خود را با مایه خدا در روی
رمین و گاه در بر لنگی و جولاندهای خود خدا دارد .
احکام و فصولا هائی که در نموده هکی ذال برای سن
بوده اس رژیم میبوت خدا و ندیده و کارگران و
رحمتگان با تدبیرای ششمت آن خود را فدا کنند و
با هر حال نفسی که بخواهد علیه رژیم با به داران دست از
با دراز نموده و این حکومت ستمگرا را نرا ندیرد ، سه
عنوان کا فر و ملحد یا او بکنند ، رفرا اندم رژیم
جمهوری اسلامی واجب شرعی گشت ، حمایت از دولت
با زرگان "تکلیف شرعی" نموده و طرد و نیز همیطور
اعضا ب و ضمن کا زرگان و زمینگان برای احضار
حق خویش حرام و گناهنا به خود منی تلفی نده و سب
عنوان حکم علیه خدا و رسول او تلفی شد کا سبوت
"جهنم" و قذاب دوزخ "مجموع شمشیردا مگلس سر سر
نوده های ما آگاه و فرا گرفت تا آنها سن صدوق های
استخا با ب کنند و نود حکم کا فر و ملحد برای خلق کرد
ما در دوسین سماران شهرهای گردستان و وکشار و
سرکوب خویش نوده های خلق کردیم و ان "لکسر
شیطان و کفر" واجب شد ، گشتا و ما موسی با سب
کمونیست ها و انقلابیون ، بطور کلی نوده های آگاه ،
"واجب شرعی" نموده شد و دستور داده شد که کمونیستها و
انقلابیون مجروح را تمام گش (اجاز) مسوده و
جنازه های آنان را "بی کفن و دفن" در برشکا هسی
به گودال اندازند ،
حاجوسی ، خیر رحمتی شرفه افگنی در سن کا زرگان
و زمینگان و بیانشانند همیستکی طبقاتی آنسان ،
"واجب شرعی" نموده شد و چنین مقرر شد که اگر کسی
حکومت همکاری ننماید ، بعنوان "معارض با خدا" و
رسول او "شناخته میشود" آری اینست استخا با
برپا به جهل و تاریکی ، اینست معنای استفساده از
"نیروهای غشی" برای حاکمیت یک طبقه استخا با زرگر
سرکا زرگان و زمینگان ما ،
زما سبکه خمیستی میگوید : شرکت در استخا با و بی
حاجوسی همانند خواندن نماز واجب است و سربیهی

سویا لسم با این تبلیغات مرور اندر سی آشنندنا
زمینه مستعدی برای نفوذ سوسال امیر با لسم
سوروی فرا همنا بندور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
را در جهت منافع خاص اربابان روسی سود دهد ، سه
همین منظور آنان میگویندنا هبات ها که مدها تبلیغی
را در این راه تشویق نموده و نموده را بر سر میسند ،
سنا بر این دولتی کردن و اردات به جو حه افدا مسی
خدا میرا لسمی نیست و گماگان ما هیت بر ما به داران
و غارتگرانه خود را حفظ میکنند ، نا نادر تر ابطی گشت
بحران برای حاکمه را فرا گرفتند اس و رژیم حاکم
مواجه با مشکلات عظیم انسانی و مالی میباشد دولتی
کردن یک سنا ز سر ما به داری محاسب می آید ، در این
سراط رژیم میگویندنا برای عقابله با کمبود سنا سیم
اوری خود ، برخی رشته های واردات را بدست گرفته نا
بدین طریق قدرت مالی خویش را افزایش بکنند ،
سنا بر این دولتی کردن یکسری از کالاهای وارداتی
در ارضات با تا من سنا مایع مالی رژیم بورژوازی می
باشد ، سنا سنا رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات عظیم
خود بر ما به "تعارف ملی" در مدها در بختن نوده ها و سنج
آنها به حول خود می باشد در موقعیستی که نوده های عظیم
کا زرگور و زمینگان از حکومت منعمور کا مگر ت دارند و
حاکمه در انتظار انفا رهای ناگهانی است رژیم برای
جلوگیری از انفا ر دینش و سقوط محتوم خود میسند
تبلیغات فریبکارانه بدست سنا نودها عازدن خود به
عنوان یک رژیم "خدا میرا لسم" در پی خلق سلاح
نمودن نوده ها میباشد ، اما نوده های آگاه هکی که با رها
دروغ بودن ادعای رژیم را با تدبیرا در ادعای
اسارت آ و از جمله ترکیبای مزدا ، ستالوت ، هنرال
- مونیوز ، بیرونیسمی ژان و غیره دیده اند و سنا هده
کرده اند که رژیم در حیران گروکا نگیری با بکنند و
۱۱ میلیا رد دلار به امیر با لسم امریکا دوستی خود به
امیر با لسم امریکا و دشمنی خود را نسبت به منافق
خلق نشان داده است ، فریب تبلیغات دورغین رژیم
را سنی خورند ، نوده های آگاه بر ما سنا تجربه و آگاهی
خود میدهند که دولتی کردن واردات همانند دولتی
کردن سنا نکا و برخی منافع هیچ دردی را از ان سوه
دردهای عظیم آنان در مان نخواهد کرد و گما گمان
بسترد و تمسبی سنا ز ره طشانی سنا را در رفسال
رژیم بر ما به داری جمهوری اسلامی می باشد ،

از نقطه نظر طبقه کا زرگور دولتی کردن اقتصاد
نوسط بورژوازی هیچ تغییر در دوطا با سانی
انقلاب موجود می آورد ، دولتی کردن اقتصاد
حاکمیت بورژوازی شکلی از انفا د سنا به داری
است و هر کس سنا را سنا و انموده زد فریبکار است و
فریبکاران دشمنان طبقه کا زرگور و انقلاب اند ، امروز
روزیونیستهای خباثت سینه بر ما به داری دولتی
را مداحی نموده و به همین لحاظ در پی نفوذ کراش
منحی در رژیم جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی
می باشند که طرفدار سنا به داری دولتی است ، اما
کمونیستها سناست دیگری دارند ، کمونیستها میدهند
که رژیم حاکم با توجه به انبوه مشکلات اقتصادی و مالی
و در مان ندگی و محزونان توان از هدا ست یک اقتصاد
دولتی است ، امروز رژیم تبلیغات فراوانی در ساره
دولتی کردن تجارت خارجی بر ا نه انداخته است ولی
با سنا ن داشت که در اجرای همی امرکا ملا عاجز
است ، این اقدام محتاج سنا به گذاری وسیع ، کسار
منحی ، مدیریت ستمگر و سنا و منبور و بورژوازی و غیره
است حال آنکه رژیم حاکم در سراط گشونی فا قست
شوانانی لازم در جهت فراهم نمودن این امکانات می
باشد ، استیصال و در مان ندگی حکومت بعدی است که

از آن سربیهی اردو سرحدا ست و با زما سبکه میکرد :
"کاسبکه سوبه گشت" یعنی دنت از سنا ز ره انقلابیستی
علیه ارتجاع برداشته و سنا زرگان و زمینگان پشت
کنند خدا و ندیده آنها را میبذیرد "جزا نیست که خود
را سنا بنده خدا و با خود خدا میداند ، و آنکا برای آن
نوده نا آگاه و ملان زمینکش عقب مانده شهری و سنا
روستائی که یک عمر با تعلیمات و احسانات مذهبی
سنا نظر همین روحا نیت خو گرفته است ، چه عکس العملی
مننوا بدی خود آید ؟ موارد بسیاری سنا هده شده است
که بسیاری از افراد نا آگاه و علیرغم عدم اعتقاد خویش
به حکومت بصر "تکلیف شرعی" برای این سنا آن
انتخاب رفته اند ، گوا سبکه مسلما همین نوده در
حیران تجربه زندگی خویش به سنا داری حکومت سنی برده
با دین و مذهب را بکلی گشتا رگذاشته و با حداقل حکومت
را سنا دخا هدا ست ، سنا بطور گشتا کنون چنین
نداشت - اما حکومت بهر صورت "سنا استفا ده خویش را
دروا داشتن نوده ها با طاعت و فرما سنا داری از نظام
سنا به داری در سنا سگری در مان خلق در حفظ
و حراست جیل و تاریکی به سنا نکی دکا ر سگری
داشته است ، سده است ،

اگر حکومت پیش از این نتوانسته است ، با زهم
بدلیل رندروا از سنا آگاهی در نوده ها بوده است ،
اگر حکومت روز بروز وسعورت منحنی امروز سرکوب همه
حاکمه و حنیانه ، قتل عام ، را در دستور قرار داده
است ، سنا سنا میدهند که سلاح فتنه انگیزی و عوا مفریبی
رژیم یک سنا رگشده است ،

و حدت دین و سیاست با ردیگر در ایران در یک
نظم سنا به داری با گرفت و سنا اوج خویش رسیدنا
بقول ما رکی "از هان سنا لا به امانی در هتا ر سنج
سقوط نماید" ، تردیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی
رفتنی است ، این رژیم تلفات زیادی را به خلقهای
فهرمان ما تحصیل خواهد نمود ، اما چه بدلیل ما هیت
سنا به داری اناش و چه بدلیل خمیسه های قسبرون
وسطاشی اش در مقابل حرکت تاریخ ، در مقابل حرکت
سنا آ و اخروان حنیش نوده ها و در مقابل آگاهی
روز افزون نوده ها نا بوهوا دند ،

جداشی دین از سیاست خواست دموکراتیک
و آنکا رتا پذیرا انقلاب دموکراتیک ایرانست !

فرزندان خلق و سرکوب انقلاب میباشد ، طبقه کا زرگر و
دیگر زمینگان فریب این ، برنامه ارتجاعی نخواهند
خورد و بر عکس این برنامه معبوده هر دم یکسری در جهت
تندیدنا رها بیتی ها و سنا زرا ت نوده ها تبدیل خواهد
شد ، امروز خمیستی جلاد و همه سرحدا ران مکتبی و خون -
خوا حکومت و سنا زرگان دون مفت بورژوازی یعنی
روزیونیستها ، کا زرگان و زمینگان به انتظار
شمرات این سنا به داری میخوانند ، همه این حنا بیکاران
در پی آشنندنا رها را با فریبند و حکومت منفسور
جمهوری اسلامی که همان حکومت جهل و ترور و سنا به
است را از سرفریا ت سنا ز ره طبقاتی نجات بکنند ،
اما نوده های آگاه و مردم که تجربه دولت با زرگان ،
ریاست جمهوری سنی صدر ، بدولت رهاشی را در نیست
سرخودا رند دیگر فریب این سنا ران را نخواهند
خورد ، آنها دیگر فریب تبلیغات خمیستی مکار و سلا د
را نخواهند خورد ، آنها به تجربه درک کرده اند که دولت
لسبرال و دولت مکتبی و سنا به داری آنان همه در
خدمت سنا به داری و سرخدا انقلاب نوده ها ست ، آری
طبقه کا زرگور و سنا بیکاران ایران امروز سنا به
خامی خویش را دارند ، این سنا به داری رستنا از انا سنا
انقلاب علیه بورژوازی و رژیم جهل و ترور و سنا به
جمهوری اسلامی !

دولتی کردن تجارت خارجی را دشوار ساخته است و
همین خاطر همه سرحدا ران رژیم صحبت از "عساری
تدریجی و آرام" اسن طرح میکنند ، ولی بهر حال باید
سنا ن داشت بصورت برقراری اقتصاد دولتی و دولتی
ندن تجارت خارجی طبقه کا زرگربح امتیازی سنا
بورژوازی نخواهدا د و به سنا به داری سنا آن بلند
نخوا هدد ، از نظر طبقه کا زرگر سنا به داری ، سنا به -
داری است و بورژوازی ، بورژوازی است ، حال در
شکل عمومی با دشواری در شکل دولتی آن ، برخلاف حواست
ارتجاعی روزیونیستها برولتا ربا آگاه و تسلیم
بورژوازی نخواهددند و سلا سنا در طبقاتی را همچنان
سر کرده بورژوازی حنا بیکار خواهدگوشد .

با توجه به آنچه گذشت درمی یابیم که سنا به
دولت ارتجاعی "سنا هنر" سنا به داری در سرحدا ران و
ارتجاعی و در خدمت منافع بورژوازی حاکم است ، این
سنا به داری سنا دیگر سنا به داری رژیم جمهوری اسلامی
سنا به داری انقلابی اش را در سنا قدامی در راه
منافع نوده ها بردارد ، سنا به داری "سنا هنر" سنا به
بورژوازی است و فقط سنا در سنا به داری می خورد ،
این سنا به داری سنا به داری و فلاکت نوده ها و سنا ران

تقدیر از صفحه ۸ ساعت ۰۰۰

مکرر در تلویزیون جمهوری اسلامی ظاهر می‌شود و دستان رژیم خمینی را که طی ۲ ماه گذشته حداقل به ۲۵۰۰ تن از بهترین فرزندان کمونیست و انقلابی ایران آغشته است می‌توان دید. رژیم که حتی در مناخات سیاسی تاریخی انقلاب فلسطین به قدرت اجازه می‌داد که برنامه - ای تلویزیونی و با محوریت زندگان بازمانده آزاد فلسطین اجرا شود، امروزه فاساد را نه‌خون‌شده‌ای فلسطین و آزادی فلسطین را وجه الممالحه قرارداد و سازمان آزادی فلسطین را این‌ساعت خود، بران فزینکاری صحنه می‌کند.

آری، دو سال و سه‌ساعت که کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در معرض سرکوبی و حمله قرار دارند، سماران و گشتا در رتبه‌ها و دهکده‌های گردستان و فتنل عامه‌ای که با دورگشتا در برابری و کفر قاسم است تنها نمونه‌ای از عساکرت رژیم در سراسر ایران می‌باشد (اگر توجیه کنید که آغاز یورش به گردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ و یورش "روز قدس" صورت گرفت، عمق فاجعه را عمیق‌تر می‌دهد - کنید)، با اکثریت فرزندان خلقی ایران که در مبارزه علیه رژیم شاه و فرزندان‌های او پس در دوران فساد مبین و پس از آن، ترسیده و بیگانه شدند و از یاس و یأس و آوارگی و همه‌روزه در گروهای چهل‌تاشی و پنجاه تاشی بدون معاذ که به جوفه‌های اعدام می‌رسد می‌نشیند که در میان اینان از کودکان ۱۲-۱۰ ساله و زن‌ها و دختران بهترین دوستان خلق و انقلابی فلسطین نظیر رفیق شهید محمد فاضل (با می) قرار داشته‌اند که آنها در گشتا روز زندگان فلسطین جنگیده و مقاومتان افشاح بود!

رژیم جمهوری اسلامی با سازای سرمایه‌داری وابسته، با افزودن هر چه بیشتر بر فقر و رنج و زحمتکشان، با سازای با میریای لیس و تقدیم رایگان میلیاردها دلار از ذخایر ایران به آمریکا - های آمریکا، با دامن زدن و ادا و معجزه ارتجاعی بین ایران و عراق و آوار کردن بیش از ۲ میلیون از صوملتان و زحمتکشان، با تصویب و اجرای و حمله به ترسین قوانین قرون وسطای نظیر لایحه قصاص، با فتن زدن به فحیم‌ترین سوا استفاده از احکامات مذهبی توده‌های نا آگاه، با بستن دانشگاه‌ها و معیون کشیدن هزاران تن از انقلابیون و کمونیست‌ها، به عیادت ننگین خود ادامه می‌دهد... در چنین شرایطی است که نماینده شما در تهران، بر طبق سیاست‌ها کم‌بریا زمان آزادی فلسطین به حمایت از رژیم خمینی می‌بخیزد و از نیرنگ جدیدی که زیر عنوان "جبهه اسلامی برای آزادی فلسطین" ارسوی رژیم مطرح شده پشتیبانی می‌کند. رژیم جمهوری اسلامی از این نیرنگ جدید چه هدفی دارد؟

امروز رژیم ارتجاعی خمینی در داخل و خارج شدیداً منفرد و منزوی گشته است و روابط آن حتی با شما، شما همین اواخر بسیار سرد بوده است، توهمن‌توده‌ها نسبت به رژیم بسیار ریخته شده و تلافی و مقاومت توده‌ها علیه آن هر روز شدت بیشتری می‌گیرد و بطوریکه رژیم دست به سرکوبی متمرکز و دیوانه‌وار و بی‌سابقه در تاریخ ایران زده است. در چنین شرایطی است که فتن انقلاب با کم‌برای منحرف کردن افکار توده‌ها در داخل و طلب حمایت از خارج به یک فزینکاری تازه دست زده است و پس از تندی مسخره و رسوای "روز قدس" که "هیه‌هوی بسیار بر سر صحنه" بوده و زوال دیگر رژیم - های مرتجع منطقه که هرگاه متفادان با توده‌ها به مرحله‌ای حاوشمین گشته می‌رسد، تلافی دانه بر جسم فلسطین را بدست می‌گیرند و سنگ آرا به سینه می‌زنند. تا خود را از خطر انقلاب توده‌ها "نجات" دهند، پشتیبان

میدهند که یک "جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم و آزادی قدس" (۱) تشکیل شود و سیاست شما علیه رژیم آگاهی از این امر که این جبهه دهنج محتوایی جز فریب و دروغ ندارد است و هم‌اکنون می‌توانید به تائید و حمایت آن می‌پردازد، چه رسد به این رژیم ارتجاعی آمیزی می‌کند و سر توهمن‌توده‌های نا آگاه می‌کشد از ماهیت ارتجاعی و سیاست‌های فاشیانه - این رژیم آدمکش خبردارند و می‌فازید، ما فاشیست‌ها گد می‌کنیم که توده‌های آگاه ایران که خود برای آزادی فلسطین احترام و اهمیت فراوان قائلند و در راه آن از هیچ چیز دریغ نکرده‌اند این موضعگیری شما را به هیچ وجه قابل توجه ندانسته و آنرا محکوم می‌کنند. انقلاب فلسطین، انقلابی است دیگر! شکی - خدا می‌رایا نیست که هم‌پیمان خود را تنها در کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی جهان متوا ندانید.

شما با چنین سیاستی در قبال رژیم‌های فدا خلقی نظیر ایران، تنها به متحان و اقمی خلق فلسطین پشت می‌کنید و در تقویت جبهه فدا انقلاب قدم بر می‌دارید. شما در شرایطی به حمایت از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی می‌پردازید و چه در قبال خلق را رنگ آمیزی می‌کنید که بنبر در زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران علیه امپریالیسم و رژیم‌ها یک غمینی هر روز شدت بیشتری می‌گیرد و رژیم، متاعل از مقابله با انقلاب، هر باعداد ددها کمونیست و انقلابی را اعدام می‌کند و توده‌ها را به ضرب فتوا و حکم شرعی به جاسوسی علیه فرزندان‌شان و ایداد و دوگشتن زندانیان و مجروحان را محاصره می‌کند. بطوریکه هم‌اکنون دهها هزار زندانی کمونیست و انقلابی در معرض شکنجه و اعدام قرار دارند و هیچ قانون جزا نون - ساء و جنگل و معاکم تفشیش عقاید سترگ و وسطای بر ایران حکم فرما می‌نمی‌کند. از نظر خود - های آگاه و انقلابی ایران سکوت امروز شما در قبال جنايات رژیم خمینی، به هیچ وجه و هیچ بها نسیسه دیپلماتیک، قابل توجه نیست و تائید آن به مراتب غیر قابل توجیه است!

ما هندا و می‌دهیم که این موضعگیری شما بیشترین لطمه را به آزادی‌ها دالانه فلسطین در ایران وارد می‌سازد. ما ضمن تکرار موضع ثابت و همیشگی ما در حمایت اولی از انقلاب دیگر! شکی فدا میریای لیسینی خلق فلسطین، نسبت به اقدامات و سیاست‌ها زنگارانه - ای که سازمان آزادی فلسطین در بسیاری از موارد منحل در ایران پیش گرفته است اعتراض کرده و آبرو را بر این مبارزه مشترک خلقی ایران و فلسطین آرزوی می‌کنیم.

به روزی انقلاب در ایران و فلسطین، تنها با یکمیری انقلاب، با مبارزه با زنگاری‌ها و دروغا - داری به آلمان مشترک کارگران و زحمتکشان و انقلابیون دو کشور می‌رساند.

زند با دانقلاب در ایران و فلسطین برقرار با دهنجستکی بین خلقی ایران و فلسطین مرکز رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رژیم‌های مرتجع و فزینکاری منطقه مرکز بر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع سازمان یکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۶/۲

بهت التحرییر

هما نظیر که از تاریخ نام می‌باشد، این نامه بلافاصله پس از موضعگیری علیه فلسطین در تهران به عنوان نماینده سازمان آزادی فلسطین، در قبال طرح پیشنهادی رژیم جمهوری اسلامی داشر تشکیل

"جبهه اسلامی برای مبارزه با صهیونیسم" (۱) نوشته شده‌ها نظیر که گفته‌ام این پیشنهاد رژیم و سرور ودا - های تبلیغاتی فزینکاری را نه‌خون آن به مثابه جزئی از سیاست رژیم برای بیرون آمدن از انزوای سیاسی که در داخل و خارج بدان دچار گردیده و نیز برای سر - پوش گذاردن بر سرکوب و حمله‌های که امروز به شدت علیه انقلابیون بکار می‌برد، طرح شده است.

روز به تهنیه مراد، تلویزیون رژیم خبری را بخش کرد که سازمان آزادی فلسطین "اطهارات" نفاخته خود در تهران را به عنوان موضع رسمی خود تلقی نمی‌کند. اما رهبری سازمان آزادی فلسطین فلسطین، در اعلامیه مهم خود در روشن نکرده که خبر غریب است. اسلحه از اسرائیل توسط ایران را تا به می‌کند یا نه؟ همچنین در موضعگیری مهم خود به بهانه "عدم دالست در امور داخلی کشور" توضیح نداده که در قبال اعدام - های دسته جمعی و حمام خونی که رژیم در کشور ما به راه انداخته است چیست؟

اما رژیم جمهوری اسلامی که حتی از این موضعگیری مهم و ناگافی رهبری سازمان آزادی فلسطین شدیداً بیکه خورده می‌زد، جاره‌ای شدید که در میان خبری که تفسیل کردیم اما به گند که "توطئه کمپ دیوید" در منطقه روبه گسترش است و با این سخن موضعگیری سازمان آزادی - بخش فلسطین را در عدم حمایت از رژیم ایران جزئی از توطئه آمریکا و نمود کرد. و یکبار دیگر نشان داد که اگر مسئله فلسطین برای رژیم جمهوری اسلامی سودی در بر نداشته باشد، نتوان آنرا ملسمه قرار داد. سازمان آزادی فلسطین، در نظر جمهوری اسلامی، "امریکا بی" از اب در می‌آید!

ما ضمن اینکه موضعگیری اخیر سازمان آزادی - بخش فلسطین را کامی در جهت جلوگیری از لکس‌دار شدن حیثیت انقلابی خلق فلسطین ارزیابی می‌کنیم. آنر میمون کا فی دانسته آنرا به هیچ وجه با سخی انقلابی به آنهمه تبلیغات مزورانه و خیانت آمیز رژیم از مسئله فلسطین که امروزه با کسرتدگی و شدتی بیش از گذشته عملی می‌شود نمی‌دانیم.

تکذیب می‌شود که فلسطین از رژیم ملاد و

خونخوا رخمینی و محکوم کردن جنایاتی که بدست این

رژیم علیه انقلابی ایران و فلسطین انجام می‌شود

حداقل انتظاری است که کارگران و زحمتکشان و

نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران از انقلاب

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین دارند!

فلسطین

سیاست سازمان آزادیبخش فلسطین در قبال رژیم ایران بزیان خلفای ایران و فلسطین

نامه سرگشاده سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین

را عملاً فراوانی موش گردیده حمایت از رژیم خمینی سرخاست
خلفای ایران و نیروهای آگاه آن، امتزاجاً سداً سداً
خمینی و رژیم و با ادعای حمایت از فلسطین و حاش
بنا آمریکا و اسرائیل فقط فمدر به توده ها و نسبت
حاکمیت مدخلی خود را در ادو بهمین دلیل است که
هیچیک از انتظاراتی که مردم فلسطین از انقلاب در
ایران داشتند برآورده نشده است و البته با تمام
ما بدن انقلاب ایران، و بدست این رژیم، آن خواستها
نمی توانسته برآورده شود. رژیم خمینی با ما همبست
ارتباطی و عدل خلقی خود، تنها می تواند به سو استفاده
از انقلاب فلسطین برای توجیه حاکمیت سبیه خویشین
فکر کند و بر تافته دین خود توده ها را برپوش بگذارد.
رژیم ایران، با راز این حدهم فرا ترک کرده و با رهبا
علیه انقلاب فلسطین توطئه کرده که بشما خود از آن ما -
خبرید: از کوشش برای ایجاد دفرقه بین مسلمانان و
غیرمسلمانان فلسطینی گرفته تا امرار بر دویر به
اصطلاح انقلاب اسلامی به فلسطین و حمایت بر سروران
سازمان ارتش می "ام" (که امروز بعنوان آلت دست
رژیم ایران و مزاحمی برای انقلاب فلسطین جنبش ملی
لبنان عمل میکند) و بر به رسمیت شناختن عملی
سفارت فلسطین در تهران و با لایحه خبرید اسلحه از
اسرائیل که افتخار آن اخبار است رژیم خمینی را
در سطح جهان ساز کرده است. هر چند ما بکمال بیعت
سندی دال بر خرید و پوزی از اسرائیل توسط رژیم
جمهوری اسلامی را افشا کرده به بنده های ایرانی و
فلسطین در راه ما هست رژیم خمینی هتار داده بودیم
در مورد نشان نیروهای انقلابی ایرانی با سفارت
فلسطین با بدگفت که هیچ فرد انقلابی ایرانی امکان
نمایش با سفارت فلسطین در تهران را ندارد. معذرت
و دوستاران واقعی خلق فلسطین اگر به سفارت مراجعه
کنند از سوی عمال و جاسوسان رژیم نشانی و وسعده
ما موران ملخ دولتی دستگیر میشوند و به ساعد ام
در انتظارات ما اند! همچنین قاطعاً نه میتوان گفت
که امروز هیچ چیز برای سفارت فلسطین در تهران،
ممنوع تر از نمایش با انقلابیون ایرانی نیست
رژیم ایران هات تمام سندی فلسطین را فارغ از
محتوای انقلابی می خواهد تا بتواند از آن برای
توجیه حمایت های خود، استفاده کند.

برادران مبارز!

اکنون بنیمم (علاوه بر آنچه گفته شد) با سازمان
آزادیبخش فلسطین، درجه شراعی به حمایت از رژیم
ایران برمی خیزد و غیر فلسطین، طبق کدام سیاست،
بقیه در صفحه ۷

در حمایت سیاسی و نظامی از انقلاب فلسطین و شرکت
در نیروهای گوناگون خلق فلسطین علیه امپریالیسم،
صهیونیسم و ارتجاع
این بیوند مشترک در سالهای گذشته تمرکز خود
را در حمایت از انقلاب فلسطین از انقلاب خلقهای ایران
علیه رژیم شاهستان مبداء: مراکز و بسته به انقلاب
فلسطین در سالهای گذشته، در هر جای دنیا، بهترین
سازمان انقلابیون ایران بود و انقلاب فلسطین
انواع کمکهای سیاسی، نظامی و مادی را در اختیار
انقلابیون رزمنده ایران قرار میدهد.
در سالهای گذشته، بارها شاهدیم، موزا نه به
سازمان آزادیبخش فلسطین بهترینها دگر دگر در تهران
دفتری بکشايد، به این قهقهه با ادعای حمایت از
آرمان فلسطین، توده های سازمان ایران را فریب دهد
(یعنی همان کاری که امروز رژیم جمهوری اسلامی انجام
میدهد) و علاوه بر آن انقلابیون ایران را از حمایت
انقلاب فلسطین محروم سازد. در آن زمان نیز گرایش
های سازشکارانه ای در سازمان آزادیبخش فلسطین
وجود داشت که میخواست این بهترینها دگر دگر و
خا شنانه را بپذیرد (۱) ولی مخالفت نیروهای انقلابی
و دموکرات درون این سازمان و شورشی که اسب
نیروها با انقلابیون ایران کردند مانع از افتادن
سازمان آزادیبخش فلسطین در دام شاه گردید. ما در
زمن سال ۵۷ طی ماهی رسمی خطاب به اداره
سیاسی سازمان آزادیبخش، قاطعاً نه چنین سیاستی
را که مفهوم سکوت در برابر جنايات رژیم شاه را شن
بود محکوم نمودیم.

برادران مبارز!

ما سابقاً نه هم اکنون نیز ما شاهد اعمال حسان
سیاسی از سوی نه هستیم. رژیم جمهوری اسلامی و در
راست آن خمینی، بسیار فریبکارانه تر از رژیم و رژیم او،
امروز آرمان فلسطین و عین توده های ایران به آزادی
فلسطین را ملحمه دهنی می چنانکه روبرو بر سر یک خود
قرار داده است. شما خود آگاهید که رژیم جمهوری اسلامی
تاکنون هیچگونه کمک قابل توجهی (جز ادعای
بوج!) به انقلاب فلسطین نکرده است. با رشتن سفارت
فلسطین در تهران و تقدیم هر گونه کمک مادی و سیاسی
و نظامی به خلق رزمنده فلسطین، خواست واقعی توده
های ایران بود. همان کاری که انقلابیون ایران در
سالهای گذشته میکردند و دولتی سیاست شما، بکشی سفارت
فلسطین را عملاً "مرحمت رژیم خمینی" بدست است و
عسیر غم آنچه خواست توده های انقلابی فلسطین است،
کمونیستها و انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران

با درودهای انقلابی به خلق قهرمان فلسطین برادران مبارز!

کسانی که این نامه را می نیکارید، طی سالهای
که از عمر انقلاب فلسطین می گذرد، نزدیکترین روابط
انقلابی را با انقلاب فلسطین داشته اند و در حمایت از
آرمان فلسطین، چه در محله های مبارزاتی ایران و چه
در بکاهای انقلاب فلسطین، در حیطه های جنگ در
ستار ۱۹۷۰ (علیه رژیم ارتجاعی ملک حسن در اردن)
و در لبنان (در مقابل سبیه صهیونیستها و فائزیه ها) و
در دیگر سنگرهای انقلاب فلسطین، دوشادوش خلق
رزمنده فلسطین نبرد کرده اند. سرنوشت مشترک خلقهای
ایران و فلسطین و بیوند مبارزاتی آنان علیه دشمن
مشترک یعنی امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و تلاش
بیکدیگر و دفاع در راه آزادی کامل فلسطین، همواره
بر روابط بین نیروهای کمونیستی و انقلابی ایران
با انقلاب فلسطین، بیرون افکنده است. از همین جا و تحکیم
وظیفه انترناسیونالیستی است که ما امروز خود را ملحق می-
دانیم موضع سازمان آزادیبخش فلسطین در فمدر رژیم جمهوری
اسلامی ایران را مورد بحث و انتقاد قرار دهیم. سازمان
ما، بنیاداً دت کلیه انقلابیون فلسطینی که تاکنون در
جهان موضعگیری نیروهای مبارز ایرانی در قبال
مسأله فلسطین بوده اند، فعلاً نه ترین و مهمان ترین
حمایت ها را از انقلاب فلسطین سودده است. سازمان ما
بی هیچ چندانستی از حمایت سیاسی متقابل، به دفاع
از آرمان فلسطین، تنها با بدن انقلاب فلسطین -
کارگران و زحمتکشان ایران و افتای دشمنان نقادان
خلق فلسطین - که رژیم جمهوری اسلامی یکی از سر -
دمداران و قبح آنت - برداخته و در آن راه همواره
کوشیده و رزمنده است. بر این انقلاب فلسطینی به مثابه
یک جنبش راهی جنبش ملی جزئی از جنبه انقلاب
جهانی بیولتا و است.

برادران مبارز!

همه شما از احساسات عمیق و ما دفاع زحمتکشان و
نیروهای کمونیست و انقلابی ایران در قبال مسأله
فلسطین آگاهی دارید و میدانید که خلقهای نه رمان
ما چگونه در برابر اسرائیل و کاران اسرائیلی از سالها
بیش موضع می ماز و جوانه نداشتند: از اعتراضات
مدا اسرائیلی بهنگام اشغال فلسطین در سال ۱۳۲۷
(۱۳۲۸) گرفته تا قطع روابط دیپلماتیک با اسرائیل
در زمان دکتر مددی، تا اعتراضات توده ای علیه روابط
رژیم شاه با صهیونیستها در سالهای ۴۰ و با لایحه

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق